

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسئله ۲۲ که بسیار مسئله مهمی می باشد هم در میان فقهای ما و هم در بین عامه مورد اختلاف می باشد ، مسئله این است که آیا نیت قطع و قاطع مبطل صوم می باشد یا نه ؟ نیت قطع آن است که شخصی روزه گرفته و در طلوع فجر نیت کرده که تا غروب امساک کند اما در بین روز قصد خروج از صوم را کرده یعنی قصد کرده که از این لحظه به بعد دیگر من روزه دار نیستم و روزه خودم را نفی و قطع کرده ام که این می شود نیت قطع و اما نیت قاطع آن است که قصد کرده برود و آب یا نان تهیه کند و بخورد یعنی قصد کرده که یکی از مفطرات را انجام بدهد ولی الآن هنوز انجام نداده و حتی ممکن است مدتی طول بکشد تا مثلا برود و آب یا نان فراهم کند ، در آنجایی که قصد قطع کرد از آن لحظه دیگر روزه نیست چون قصد خروج از صوم را کرده و خارج شده اما نیت قاطع آن است که الآن روزه می باشد تا وقتی که برود مثلا نان یا آب فراهم کند و بخورد یعنی تا وقتی که نخورده مثلا در راه است تا برود و بیاید هنوز روزه دار می باشد و روزه اش را به هم نزده ولی اگر خورد روزه اش به هم می خورد ، این فرق بین نیت قطع و قاطع بود که عرض کردیم .

حالا عبارت عروة را می خوانم تا مسئله روشن تر بشود (مسئله ۲۲) :  
 « لو نوى القطع أو القاطع فى الصوم الواجب المعين بطل صومه ، سواء نواهما من حينه أو فيما يأتى ، وكذا لو تردد ، نعم لو كان تردده من جهة الشك فى بطلان صومه و عدمه لعروض عارض لم يبطل و إن استمر ذلك إلى أن يسأل ، و لا فرق فى البطلان بنية القطع أو القاطع أو التردد بين أن يرجع إلى نية الصوم قبل الزوال أم لا ، و أما فى غير الواجب المعين فيصح لو رجع قبل الزوال . »

اگر در صوم واجب معین نیت قطع یا قاطع داشته باشد روزه اش باطل می شود اعم از اینکه قطع و قاطع را از الآن قصد کند یا اینکه مثلا بگوید یک ساعت دیگر که هوا گرم شد می خواهم روزه ام را بخورم در هر صورت فرقی نمی کند ، و همچنین صومش باطل است اگر متردد بشود چون نیت روزه آن است که قصد کند از طلوع فجر تا غروب از مفطرات امساک کند و معلوم است که تردد بر خلاف این نیت اولی صوم می باشد یعنی تردد هم مثل همان نیت قطع و قاطع که ناقض

نیت اولی صوم بودند می باشد بنابراین صاحب عروة فرقی بین تردد و نیت قطع و قاطع نمی گذارد و فقط یک جا را استثناء می کند و آن در صورتی است که تردد او از این جهت باشد که آیا صومش باقی است یا نه ، مثلا نخاعه را عمدا خورده و بعد شک کرده که آیا روزه من باطل است یا نه و با خود می گوید باید بروم و از کسی بیرسم که شاید این کار ساعتها و یا شاید تا غروب هم طول بکشد پس تردد از این جهت است که آیا من روزه هستم یا روزه نیستم که در اینجا روزه اش باطل نمی باشد چونکه این شخص قصد به هم زدن روزه اش را ندارد و تنها نمی داند که آیا روزه اش باطل شده یا نه . بعد ایشان در ادامه مسئله می فرمایند که در بطلان به واسطه نیت قطع و قاطع و تردد فرقی نیست بین اینکه دوباره پیش از ظهر به نیت صوم برگردد یا اینکه برنگردد ، اما در واجب غیر معین همانطور که گفتیم اگر قبل از ظهر به نیت صوم برگردد روزه اش صحیح می باشد .

همانطور که گفتیم مسئله هم در بین فقهای ما و هم در بین عامه اختلافی می باشد فلذا در مسئله سه قول وجود دارد ؛ قول اول آن است که نیت قطع و قاطع موجب بطلان نمی باشند که فقیه همدانی در مصباح الفقیه این قول را اختیار کرده است ، قول دوم آن است که هر دو موجب بطلان هستند که این قول مختار صاحب عروة و عده دیگری می باشد مثلا در میان شراح عروة آقای خوئی در مستند و آقای حکیم در مستمسک و شیخ محمد تقی آملی در مصباح الهدی می گویند که هر دو موجب بطلان می باشند ، قول سوم که مختار صاحب جواهر و حضرت امام رضوان الله علیه می باشد آن است که مسئله را تفصیل می دهد و می گوید که نیت قطع موجب بطلان است ولی نیت قاطع موجب بطلان نمی شود .

ما با توفیق پروردگار اول باید اقوال فقها در مسئله را در نظر بگیریم و بعد ادله اقوال را و بعد خودمان یک قول را اختیار کنیم فلذا اول اقوال فقها را بیان می کنیم ؛ محقق در شرایع و معتبر و علامه در منتهی و شیخ طوسی در مبسوط جلد اول ص ۲۷۸ و در خلاف جلد دوم ص ۲۲۲ نیت قطع و قاطع را مبطل نمی دانند ولی شیخ در خلاف از شافعی و ابی حامد اسفرائینی و ابوحنیفه نقل می کند که گفته اند صومش باطل می باشد ، در این مسئله بین شاگرد و استاد اختلاف نظر وجود دارد یعنی سید مرتضی که استاد شیخ طوسی می باشد قائل به این شده که صومش باطل است ولی همانطور که عرض کردیم شیخ در مبسوط و خلاف گفته که صومش باطل نمی باشد ، أبو الصلاح حلبی که از شاگردان شیخ طوسی می باشد گفته فسد صومه و لزمه القضاء و

باز در اینجا یک بحثی است و آن اینکه بعضی از شرطها شرط اکوان هستند و بعضی دیگر شرط افعال، مثلاً فرض کنید شخصی در حال نماز خواندن بود و در وسط نماز یک لحظه باد گوشه لباسش را کنار زد و عورتش نمایان شد ولی فوراً دوباره لباسش افتاد روی عورتش، پس یک لحظه این اتفاق افتاد ولی در آن لحظه مشغول هیچ فعلی از افعال نبود آیا ستر در اینجا شرط افعال است یا شرط اکوان است؟ اگر ما ستر را شرط افعال بدانیم نمازش درست است چون در آن لحظه مشغول به اقوال و افعالی از نماز نبوده، ولی اگر ستر را شرط کون صلوة بدانیم همان لحظه ای که باد آمد و عورتش در وسط نماز مکشوف شد نمازش باطل شده.

بنابراین بحث در مانحن فیه بر می گردد به اینکه کیفیت نیت معتبر در روزه را بطور تفصیل کنیم تا نیت قطع یا قاطع مغل باشد یا نباشد که بسیار بحث مهمی می باشد، حالا ببینیم دلیل طرفین چیست، شیخ طوسی استدلال کرده به دو چیز که البته صاحب جواهر و فقیه همدانی هم این دو چیز را ذکر کرده اند که إن شاء الله مطالعه می کنید، دلیل اول آنها استصحاب صحت می باشد و می فرمایند که قبل از اینکه نیت قطع یا قاطع بکند روزه اش صحیح بود و حالا ما شک می کنیم که آیا این صحت به مجرد نیت بهم خورد یا نه بعد استصحاب می کنیم صحت را، این دلیل صحیح نمی باشد و این را ما در وسائل و کفایه هم خوانده ایم که اگر در وسط عمل شک کنیم استصحاب صحت چه در شبهه حکیمه و چه موضوعیه مشکل است چون که درست است که عمل یک عمل مرکبی می باشد ولیکن شما می خواهید بگوئید گذشته ها صحیح بوده خوب ما شکی نداریم که گذشته ها صحیح بوده و آینده هم که هنوز بوجود نیامده از این جهت نمی توانیم با این استصحاب صحت آینده را درست کنیم، مثلاً شخصی نماز می خواند و بعد از حمد از مکانی که نماز می خواند تکان خورد و شک کرد که نمازش صحیح است یا نه و بعد استصحاب صحت کرد و نمازش را تمام کرد، خوب در اینجا تا وقتی که تکان نخورده بود نمازش صحیح بود ولی وقتی که تکان خورده دیگر چه چیزی را می خواهد درست کند، یعنی شک می کند که آیا این تکان خوردن نمازش را باطل کرد یا نه خوب چه چیزی را باطل کرد؟ اجزای گذشته که قبل از این تکان خوردن بوده شکی نداریم که صحیح بوده اند و آینده هم که هنوز بوجود نیامده است پس چه چیزی را در اینجا می خواهند استصحاب کنند، در مانحن فیه هم همینطور است یعنی روزه تا وقتی که نیت قطع نکرده صحیح است و حالا که نیت قطع کرده نمی داند که روزه اش صحیح

الکفارة، کلا اقوالی که تا به حالا به عرضتان رسید در مختلف الشیعة جلد ۳ ص ۲۵۴ تا ص ۲۵۵ ذکر شده است اما خود ایشان قائل به بطلان صوم در مانحن فیه می باشد و در مختلف الشیعة فرموده: «لنا أنها عبادة مشروطة بالنية و قد فات شرطها».

یکی از بحثهای مهم در اینجا که بعداً ما هم عرض می کنیم این است که صوم را باید معنی کنیم به نظر بنده بسیاری از بحثها بر این محور می گردد که اصلاً صوم چیست؟ آیا حقیقت صوم این است که شخص نیت کند که از طلوع فجر تا غروب امساک کند و تمام این

ساعات و دقائق و آنات یک وحدت اعتباریه ای دارند یعنی درست است که صوم مرکب است از آنات و دقائق و ساعات اما یک وحدت اعتباریه ای دارند که از طلوع فجر تا غروب می باشد و شخص صائم نیت کرده که در تمام این ساعات و آنات و دقائق صائم باشد و تارک آن مفطرات باشد و در واقع حقیقت صوم همین نیت است و محور همین نیت و قصد می باشد فلذا اگر صوم را این طور معنی کنیم قصد قطع یا قاطع اگر بیاید این قصد صوم با کیفیتی که عرض کردیم بهم می خورد و روزه به هم می خورد، بنابراین آیا حقیقت صوم این است که ذکر شد یا اینکه حقیقت صوم این است که انسان نخورد و نیاشامد و کلاً آن چیزهایی که به عنوان مفطر و مبطل صوم می باشد را بجا نیاورد پس اگر نیت خلاف هم کرد تا چندی که تارک آن مفطرات و مبطلات باشد صائم است و تنها در صورتی صوم بهم می خورد که مرتکب یکی از آن افعال باشد پس این هم یک معنی از صوم است فلذا اول باید حقیقت صوم برای ما مشخص شود تا مطلب برای ما روشن شود.

مرحوم حاج آقا رضای همدانی یک مطلبی را می گویند که در جواهر هم هست و آن اینکه صوم همان ترک مفطرات و مبطلات می باشد ولی به شرط اینکه نیت استمرار داشته باشد و اگر این نیت استمرار را به هم زد شرط به هم خورده و إذا انتفی الشرط انتفی المشروط فلذا روزه باطل می شود، حالا ما باید ببینیم که این واقعاً شرط است یا اینکه آنچه که حقیقت صوم است ترک آن اشیائی می باشد که در روایات ما ذکر شده و تا چندی که شخص آن اشیاء را تارک است صائم می باشد، مثلاً نماز اقوال و افعالی می باشد که البته این اقوال افعال باید مقرون به نیت هم باشند حالا اگر کسی نماز را شروع کرد و مقداری از حمد را خواند و در آخر حمد قصد کرد که نماز را به هم بزند ولی بهم نزد آیا این شخص نمازش بهم خورده یا نه؟ مرحوم حاج آقا رضای همدانی در صلوة هم قائل هستند که بهم نخورده است چون شارع از ما این اقوال و افعال را مقارن با قصد قربة خواسته است البته

آنها اجتناب کند پس حقیقت صوم همین قصد و تصمیم می باشد و هر وقت که این قصد و تصمیم به هم خورد صوم هم خراب می شود، و قول دیگر هم که قبلاً ذکر کردیم این بود که صوم یعنی ترک مفطرات صوم که بیان شده است و اگر این کار را بکند صائم است ولو اینکه نیت قطع و قاطع بکند، پس بحث برمی گردد به اینکه آیا حقیقت صوم ترک مفطرات است کما یظهر من الاخبار یا اینکه حقیقت صوم همان قصد و تصمیم است ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد واله الطاهرین

است یا نه خوب در اینجا چه چیزی را می خواهند استصحاب کند، پس استصحاب صحت در اینجا کارایی ندارد.

دلیل دوم که به نظر بنده عمده می باشد این است که در روایات ما مفطرات و مبطلات روزه به طور محصور و محدود ذکر شده اند و دیگر در آنها هیچ ذکری از اینکه در فی ما بین صوم نیت قطع و قاطع نکند نشده است، یکی از آن روایات که هم شیخ دارد و هم صاحب جوار خبر اول از باب اول من ابواب ما یمسک عنه الصائم واقع در ص ۱۸ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی می باشد، خبر این است: محمد بن الحسن باسناده عن الحسن بن سعید؛ حسین بن سعید اهوازی که بعد به قم آمد و در قم از دنیا رفت ۳۰ کتاب نوشته بوده و شیخ طوسی این خبر را از کتاب او گرفته بوده، و باسناده عن محمد بن علی بن محبوب: که اهل قم بوده و از اجلای روات بوده و شیخ طوسی از کتاب او هم این روایت را گرفته بوده، عن یعقوب بن یزید، و باسناده عن علی بن مهزیار؛ پس شیخ طوسی این روایت را از سه کتاب گرفته است جمیعاً: این سه کتاب را به ما بعد پیوند می دهد، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن محمد بن مسلم: خبر در اعلا درجه صحت می باشد، قال: سمعت أبا جعفر (ع) یقول: لا یضر الصائم ما صنع إذا اجتنب ثلاث خصال: الطعام و الشراب، و النساء، و الارتماس فی الماء. یعنی اگر کسی صائم باشد هر کاری می تواند بکند و روزه اش هم صحیح می باشد مگر این چند کاری که در روایت ذکر شده است. از این خبر و امثال این خبر استفاده شده که نیت قطع و قاطع مبطل نیست چون که نواقص روزه در روایات ما محصور است و در این روایات اینکه در ما بین روزه نیت قطع و قاطع نکنید ذکر نشده است.

اما جواب ما این است که این قبیل از اخبار در مقام بیان از همه جهات نیستند مثلاً در همین روایتی که الان خواندیم بقاء بر جنابت عمداً ذکر نشده در حالی که بقاء بر جنابت عمداً مبطل صوم می باشد، بنابراین این قبیل از روایات در مقام بیان تمام مبطلات روزه نمی باشند بعلاوه این روایات صائم را می گویند، در حالی که آنها می گویند که اصلاً کسی که نیت قطع یا قاطع کرد صائم نیست، بنابراین ما باید ببینیم که حقیقت صوم چیست و به نظر بنده کسی این بحث را به این ترتیب انجام نداده، مثلاً آیت الله خوئی نیت قطع و قاطع را مبطل می داند چون ایشان می گویند که حقیقت صوم این است که انسان قصد کند که از طلوع فجر تا غروب از مفطرات اجتناب کند، یعنی قصد کند که از